

برتری بنی اسرائیل در قرآن و تورات

سهیلا جلالی کندری *

چکیده

قرآن کریم به منظور عبرت آموزی از اقوام دیگر سخن گفته است و بیش از همه از بنی اسرائیل. یکی از مسائل این قوم برگزیده شدن ایشان از میان جهانیان است که دستاویز آنان و صهیونیستها گردیده است. جملاتی از تورات نیز به این مسئله اشاره دارد ولی یا تدبر در قرآن و تورات در می یابیم هدف از برگزیده شدن این قوم و برخورداریشان از مواهب گوناگون مادی و معنوی، آزمایش الهی بوده و حفظ این برتری مشروط به حفظ عهد و میثاق خداوند است. لذا این مسئله موجب فضیلت ذاتی و برتری نژادی این قوم نخواهد بود چنانچه قرآن و نیز تورات به عهد شکنی آنان اشاره دارند و به همین سبب مورد غضب الهی واقع شده و این فضیلت از ایشان سلب شد.

مقدمه

قرآن کتاب انسان سازی است و به منظور عبرت آموزی انسانها به ذکر اقوام گذشته پرداخته است، تا با عنایت به کارها و جزا و پاداش اعمال آنها، انسانها به خود آیند و راه صحیح و مستقیم خداپرستی را که همانا دین اسلام و عمل به تعالیم آن است، انتخاب کنند و از پیروی راههای انحرافی که راه شیطان است، دوری گزینند.

در قرآن کریم، بیش از همه اقوام دیگر، از بنی اسرائیل سخن گفته شده است، چنانچه نام موسی نیز بیش از همه پیامبران برده شده است (۱۲۲ بار). و آن به علت شدت عناد آنها و

وجودشان نسبت به حق است. خداوند برای روشن گرداندن و تبیین نمودن ابعاد دشمنی آنها با حق و درجه ناسپاسی و کفرشان، در آیات بسیاری از نعمتهای مختلف الهی بر آنها سخن گفته و سپس موضع آنها در برابر این نعمتها را بیان داشته است.

مجموعه این نعمتها موجب برتری آنها بر دیگر جهانیان شد. این برتری غالباً با لفظ "فَضْل" تعبیر شده است. از این رو ابتدا معنای لغوی و قرآنی این کلمه را بررسی می‌کنیم و سپس به تفضیل بنی اسرائیل و ابعاد آن خواهیم پرداخت.

معنای تفضیل و برتری در لغت

راغب اصفهانی ذیل ماده "فضل" می‌نویسد:^۱

"فضل زیادت و فزونی است و آن دو نوع است: محمود و مذموم. فضل محمود مانند زیادی علم و حلم، فضل مذموم مثل زیادی غضب. البته کلمه فضل در معنای محمود بیشتر استعمال می‌شود ولی در مورد مذموم، بیشتر کلمه فضول به کار می‌رود."^۲

طریحی نیز آن را به معنای زیادت و فزونی دانسته است.^۳

ابن منظور آن را ضد نقص می‌داند و جمع آن را "فضول" ذکر می‌کند. رجلٌ فضالٌ ومُفضَّلٌ، یعنی مردی که دارای فضل زیاد است.^۴

راغب اصفهانی در بیان انواع فضل می‌نویسد:^۴

"فضل اگر برای زیادی و برتری یک چیز بر دیگری استعمال شود، سه نوع است.

۱- برتری از حیث جنس، مثل برتری جنس حیوان بر جنس گیاه.

۱- الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی: المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفة، بیروت، بی تا، ص ۳۸۱.

۲- فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق: السیداحمدالحسینی، ط ۲، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۲ هـ. ق. ۱۹۸۳ م، ج ۵، ص ۴۴۳.

۳- محمدبن مکرم ابن منظور: لسان العرب، ط ۱، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۸ م، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

۴- الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی: المفردات، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.

- ۲- برتری از حیث نوع، مثل فضل و برتری انسان از دیگر انواع حیوانات.
آیه " ولقد کرمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممتن خلقنا تفضیلاً."^۱ اشاره به این نوع برتری دارد.
- ۳- برتری از حیث ذات. مثل برتری مردی بر دیگری.
دو نوع اول برتری، جوهری است و راهی بر رفع نقص ناقص و بدست آوردن برتری و زیادت مذکور وجود ندارد، مثلاً "اسب نمی‌تواند فضیلتی را که انسان دارد، کسب نماید. اما نوع سوم عرضی است و قابل اکتساب می‌باشد.

معنای تفضیل و برتری در قرآن

با دقت و تدبر در آیات قرآن در می‌یابیم که فضل در قرآن به دو معنی به کار رفته است:

- ۱- برتری
 - ۲- عطیه و احسان و رحمت
- اما دومی را می‌توان مصداقی از معنای اول دانست.
- راغب گوید^۲: "هر عطیه‌ای که بر عطاکننده ضروری و لازم نیست، فضل گویند. یعنی احسان و رحمتی که خداوند بر بندگان عطا می‌کند، بر خداوند لازم نیست، بلکه از روی لطف و کرم این برتری را عطا می‌کند و لذا به آن فضل می‌گوییم، زیرا در اصل افزایش و زیادت است و بندگان حقی در نزد خداوند ندارند. مثل آیات: و سئلو الله من فضله^۳ - ذلك فضل الله^۴.
- فضل به معنای برتری نیز دو نوع است:

۱- سوره اسراء: ۷۰. ترجمه: "ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهایی خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم".

۲- الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی: المفردات، ص ۳۸۲.

۳- سوره نساء: ۲۲.

۴- سوره حدید: ۲۱.

۱- برتری معنوی: مثلاً آیات "لقد فضلنا بعض النبیین علی بعض" ^۱ و یا "لقد اتینا داود مئاً فضلاً" ^۲. فضیلت ذاتی و برتری استعدادهای بعضی از انبیاء را بر بعضی دیگر متذکر شده است. و در برخی آیات دیگر به ذکر مزیت‌های هر یک پرداخته است و می‌فرماید:

"تلك الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بعضهم علی بعض منهم من کَلَّمَ اللّهُ و رفع بعضهم درجاتٍ و اتینا عیسیٰ ابن مریم البینات و ایدناه بروح القدس ... " ^۳

و نیز آیه: "لقد فضلنا بعض النبیین علی بعض و اتینا داود زبوراً" ^۴ چنانچه گفته شد، تفضیل پیامبران از جانب خداست و به نظر می‌رسد علت تفضیل در استعدادها و معنویات آن بزرگواران بوده که شایستگی تفضیل را داشته‌اند، گرچه همه پیامبران دارای فضل بوده‌اند، اما در عین حال صاحبان استعداد پیامبری نیز بعضی بر بعضی دیگر مزیت دارند. ^۵

در سوره انعام علت تفضیل و برتری انبیاء را متذکر شده است و می‌فرماید: ^۶

"و تلك حجتنا اتیناها ابراهیم علی قومہ نرفع درجاتٍ من نشاء ان ربك حکیمٌ علیمٌ* و وهبنا له اسحق و یعقوب کلاً هدینا و نوحاً هدینا من قبل و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسیٰ و هارون و کذلک نجزی المحسنین* و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ و الیاس کلٌ من الصالحین* و اسمعیل و الیسع و یونس و لوطاً و کلاً فضلنا علی العالمین* و من ابائهم و ذریاتهم و اخوانهم و اجتبیانهم و هدیناهم الی صراطٍ مستقیم* ذلک هدی اللّٰه یهدی به من یشاء من عباده و لو اشرکوا

۱- سوره اسراء: ۵۵، بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری نهادیم.

۲- سوره سباء: ۱۰، داود را از سوی خود فضیلتی دادیم.

۳- سوره بقره: ۲۵۳، بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خدا یا بعضی سخن گفت و بعضی را به درجاتی برافراشت و به عیسی بن مریم معجزه‌ها دادیم و او را به روح القدس یاری کردیم.

۴- سوره اسراء: ۵۵، بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری نهادیم و به داود زبور را دادیم.

۵- و اسمعیل و الیسع و یونس و لوطاً و کلاً فضلنا علی العالمین. سوره انعام: ۸۶.

۶- سوره انعام: ۸۳ الی ۸۸.

لحبط عنهم ما كانوا يعملون.

ترجمه: "این برهان ما بود که آن را به ابراهیم تلقین کردیم در برابر قومش. هر که را بخواهیم به درجاتی بالا می‌بریم. هر آینه پروردگار تو حکیم و داناست* و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همگی را هدایت کردیم و از فرزندان ابراهیم، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم و نیکوکاران را این گونه جزا دهیم.* و زکریا و یحیی و عیسی و الیسع و یونس و لوط، که همه را بر جهانیان برتری نهادیم.* و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان بعضی را هدایت کردیم، و ایشان را برگزیدیم و به راه راست راه نمودیم.* این است هدایت خدا و هر که را از بندگانش خواهد بدان هدایت می‌کند و اگر شرک آورده بودند اعمالی که انجام داده بودند، نابود می‌گردید.*"

در این آیات علت تفضیل انبیاء مذکور را، اختصاص آنها به هدایت الهی ذکر کرده است. زیرا آنان در میان جمعی مشرک و کافر به نعمت هدایت برگزیده شدند و بدین نعمت بر دیگران برتری یافتند.

۲- بوتری مادی: مثل "والله فضل بعضكم على بعض في الرزق" که برتری از حیث مال و روزی را متذکر شده است.

به این ترتیب مفهوم تفضیل روشن شد ولی برای بررسی این که آیا تفضیل بدون قید و شرط است یا خیر، باید به بررسی این نکته پرداخت که سبب اعطای این برتربها به افراد چیست؟ مطمئناً خداوند بدون هدف چنین نمی‌کند. این مسئله را با تحقیق در آیاتی که اشاره به تفضیل بنی اسرائیل دارند پی می‌گیریم در ضمن با بررسی این آیات روشن خواهیم کرد این برتری تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.

تفضیل و بوتری بنی اسرائیل

۱- سوره نحل: ۷۱. ترجمه: "خداوند روزی بعضی از شما را بر بعضی دیگر افزون کرده است."

دانستیم آیات بسیاری در قرآن کریم به بیان داستان بنی اسرائیل و دادن نعمتهای فراوان به آنها اختصاص داده شده است.

برتری بنی اسرائیل در قرآن غالباً با تغییر "فَضْل" نشان داده شده است و برخی آیات نیز به طور ضمنی همین معنا را نشان داده‌اند.

این آیات عبارتند از:

- ۱- اِنِّی فُضِّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ. (سوره بقره: ۴۷ و ۱۲۲).
 - ۲- هُوَ فُضِّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ. (سوره اعراف: ۱۴۰).
 - ۳- اِنَّا کَرَّمْنَا لَیْلَةَ یَوْمِ اَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِیْنَ. (سوره مائده: ۲۰).
 - ۴- لَقَدْ اخْتَرْنَا هُم عَلَی عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِیْنَ. (سوره دخان: ۳۲).
 - ۵- فَضَّلْنَا هُم عَلَی الْعَالَمِیْنَ. (سوره جاثیه: ۱۶)
- به منظور تفضیل و شرح مطالب به تفسیر آیات مذکور می‌پردازیم.

تفسیر آیات

۱- تفسیر آیه اول:

"یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی اَنْعَمْتُ عَلَیکُمْ وَاِنِّی فُضِّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ."^۱
 در باره این آیه برخی از مفسران نوشته‌اند: "جمله "وَأِنِّی فُضِّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ" عطف خاص به عام است یعنی تفضیل را از مصادیق نعمتهای الهی بر بنی اسرائیل می‌دانند که در ابتدای آیه با جمله "واذکروا نعمتی الّتی اَنْعَمْتُ عَلَیکُمْ" بدان تصریح شده است."^۲

۱- سوره بقره: ۴۷ و ۱۲۲، ترجمه: ای بنی اسرائیل: نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم به یاد بیاورید.

۲- الفضل بن الحسن الطبرسی: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۲.
 اسماعیل حقی البروسوی: روح البیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۶.

محمد بن یوسف اشهد بابی حیان الاندلسی: البحر المحیط، ط ۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق.، ج ۱، ص ۱۸۷.

برخی دیگر بر تری و تفضیل را به سبب برخورداری بنی اسرائیل از نعمتهای الهی می‌دانند. در این رأی، در شمارش این نعمتها بین مفسرین اختلاف نظر وجود دارد. بعضی آن را مجموع نعمتهایی نظیر بعثت انبیاء بسیار، وجود بینات فراوان برای ایشان، بدست آوردن نعمت استقلال و آزادی، انزال منّ و سلوی و ... دانسته‌اند.^۱ و بعضی دیگر علت این برتری را تنها بعثت پیامبران بسیار در میان آنها و یا قرب و نزدیکی ایشان به پروردگار به سبب پیروی از شرایع او ذکر کرده‌اند.^۲

السید محمود الالوسی البغدادی: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ط ۴، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۵ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۵.

احمد مصطفی المراغی: تفسیر المراغی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸.

ابوالسعود محمد بن محمد العمدادی: تفسیر ابی السعود، ط ۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱، ص ۹۸.

۱- ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر: تفسیر القرآن العظیم، ط ۳، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۱، ص ۹۲.

السید محمود الالوسی: روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵.

محمد جواد مغنیه: التفسیر الکاشف، ط ۴، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص ۹۵.

سید محمود طالقانی: پرتوی از قرآن، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۸.

وهبة الزحیلی: التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ط ۱، دارالفکر المعاصر و دارالفکر، بیروت و سوریه،

۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۲۵، ص ۲۶۸.

۲- محمد رشید رضا: تفسیر المنار، ط ۲، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۴.

احمد مصطفی المراغی: تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۰۸.

محمد محمود حجازی: التفسیر الواضح، ط ۶، مطبعة الاستقلال الكبرى، القاهرة، ۱۳۸۹ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۵.

محمد جواد مغنیه: اسرائیلیات القرآن، ط ۲، دارالتیاریت الجدید و دارالجماد، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۴۵.

اسماعیل ابن کثیر: قصص انبیاء، تحقیق و تعلیق: عبدالقادر احمد عطا، ط ۳، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق،

ج ۲، ص ۹۰.

اسماعیل حقی البروسوی: روح البیان، ج ۱، ص ۱۲۶.

ابوالسعود محمد بن محمد العمدادی: تفسیر ابی السعود، ج ۱، ص ۹۸.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا تفضیل بنی اسرائیل مقید به زمان و مکان است؟ به عبارت دیگر آیا آنان در طول زمان بر تمامی جهانیان برتری دارند و یا اینکه این برتری محدود به زمان و مکان خاص است؟ پاسخ به این سوال با بررسی مراد از "العالمین" در این آیه ممکن می‌باشد. مفسرین در این باره دو نظر دارند:

- ۱- مراد جمع بسیاری از مردم در تمامی زمانها است. چنانچه وقتی جمعیت بسیاری را می‌بینی می‌گویی: "رأيتُ عالماً من الناس" و آن هم به این دلیل که چون بنی اسرائیل از نعمت ایمان برخوردار شدند، پس از بسیاری از جهانیان برتر شدند، ولی این برتری تا زمانی خواهد بود که آنان ایمان خود را حفظ نمایند و تابع احکام و قوانین شرع باشند.^۱
- ۲- مراد تمامی مردم است. اما در اینکه مراد تمامی مردم در چه زمانی است، دو نظر وجود دارد:

الف - مراد تمامی انسانها در زمان بعثت موسی (ع) است. (این نظر از ابن عباس، حسن بصری، قتاده، مجاهد، ابن جریر، ابن زید و ... نقل شده است).^۲

۱- محمدالرازی: التفسیر الکبیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۳، ص ۵۲

محمود بن عمر الزمخشری: الکشاف، دارالمعرفة، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۶۷

آیه ۳۲ سوره دخان و ۱۲۹ سوره اعراف اشاره دارند که این نعمتها به آنها داده شد تا مورد آزمایش الهی قرار گیرند. اگر از این نعمتها به خوبی بهره بردند، نعمتها تداوم می‌یابند. در غیر این صورت از ایشان سلب می‌شود.

۲- محمد بن جریر الطبری: جامع البیان فی التفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۰۸.

اسماعیل ابن کثیر: تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۴۸.

ابوالسعود محمد بن محمد العمادی: تفسیر ابی‌السعود، ج ۱، ص ۹۸.

اسماعیل حقی البروسوی: روح البیان، ج ۱، ص ۱۲۶.

السید محمود آلوسی: روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵.

محمد محمود حجازی: التفسیر الواضح، ج ۱، ص ۳۵.

وهبة الزحیلی: التفسیر المنیر، ج ۱، ص ۱۵۸.

ب- مراد تمامی انسانها در همه اعصار است. قائلین به این رأی بر نظر خود چنین دلیل می آورند که آنها متنعم به نعمتهایی مانند انزال منّ و سلوی، گشوده شدن دریا برای عبور ایشان، بعثت پیامبران فراوان در میان ایشان و ... شدند و دیگران از چنین نعمتهایی برخوردار نشدند. و به این ترتیب قوم بنی اسرائیل به دلیل برخورداری از نعمتهایی خاص بر تمامی انسانها در همه اعصار برتری یافتند.^۱ ولی تفضیل آنان از این جهت موجب برتری آنها از همه جهات و یا برتری آنها بر امت محمد(ص) نیست، زیرا مقایسه دو چیز و تعیین برتری یکی از آنها، در مقایسه آنها در یک امر صورت می گیرد و چه بسا چیزی از چیز دیگر از جهتی برتری داشته باشد و دومی از جهتی دیگر بر اولی برتری یابد.^۲

مغنیه توضیحی زیبا در این باره ارائه داده است. او معتقد است بنی اسرائیل بر تمامی انسانها برتری یافتند زیرا معامله ای را که خداوند با ایشان کرد، همتا و نظیری ندارد. زیرا که خداوند تمامی مشکلاتی را که بر سر راه آنان قرار می گرفت از طریق معجزه حل می نمود، نه از طریق طبیعی و معمول. به این ترتیب قیاس کردن سایر نسلها با نسل بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی (ع) اصلاً موردی ندارد و شاید سر حکمت خداوند در این کار، این باشد که خداوند خواسته است به وسیله یهود برای انسانها مثل بزند تا همه بدانند زندگی تنها از طریق رنج بردن و مبارزه با طبیعت شیرین می شود و تنها از این راه است که حقایق کشف شده و اسرار شناخته می شود و انسان به مدارج تمدن و پیشرفت صعود خواهد کرد. اگر انسان با تکیه بر دیگران زندگی کند و منتظر نزول مائده از آسمان باشد، با حیوان تمایزی نخواهد داشت و نیازی هم به عقل و ادراک نخواهد بود. چنین زندگی جمود و مرگ است، در حالی که جهاد و مبارزه، نشاط و زندگی است.^۳

نتیجه

۲- محمد البرازی: التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۵۲.

۱- محمد رشید رضا: المنار، ج ۱، ص ۳۰۴.

۳- محمد جواد مغنیه: التفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۴۲.

محمد جواد مغنیه: اسرائیلیات القرآن، ص ۶۱.

به هر حال چه برتری بنی اسرائیل را به سبب تمامی نعمتهای برشمرده در آیات مربوطه بدانیم و یا به سبب بعضی از آنها و چه این برتری را بر تمامی جهانیان بدانیم یا آنان را فقط بر هم عصران خودشان برتر بدانیم و یا قائل به برتری تنها برخی از آنان باشیم، موجب برتری و تفضیل آنان از تمامی جهات نخواهد بود زیرا در مقایسه دو چیز با یکدیگر و تعیین برتری یک چیز، وجود تفضیل، تنها از یک جهت کفایت می‌کند. همان طور که می‌دانیم بنی اسرائیل از تمامی جهات بر دیگر امتهای برتری ندارند، بلکه با وجود اختصاصشان به نعمتهای بسیار الهی، شکرگزار و حق شناس این نعمتها نبودند و کفران نعمت کرده، مورد سخط و غضب و لعن خداوند واقع شدند.^۱ بعثت انبیاء فراوان در میان آنها نیز در واقع دلیلی بر ضد آنهاست و نه به نفع آنها. زیرا علت آن، انحراف بنی اسرائیل از جاده حق و ترک سنت پیامبران گذشته است، زیرا اگر آنها پیرو قوانین الهی و سنت موسی (ع) بودند نیازی به ارسال پیامبران بعدی نبود و تنها وقتی امتی حق را با باطل آمیخته و از جاده حق به دور می‌افتد، خداوند پیامبری مبعوث می‌نماید تا آنان را به صراط مستقیم هدایت الهی راهنمایی کند. اگر هم این برتری را به واسطه ایمان و عمل صالح آنها و پیروی ایشان از شرایع الهی بدانیم، چون از همان ابتدا بسیاری از ایشان ایمان راستین به رسالت موسی (ع) و به توحید الهی نداشتند،^۲ پس برتری در مورد پیامبران و مهتدین و صالحین ایشان محقق می‌گردد و تنها مادامی که آنان پیرو راه پیامبران باشند، این برتری وجود خواهد داشت.^۳

۲- تفسیر آیه دوم

پس از عبور از دریا و در پی درخواست بنی اسرائیل برای داشتن الهه و بت، موسی (ع) به

۱- آیات بسیاری بر این مطلب دلالت دارند از جمله آل عمران: ۲۱-۲۵ و ۷۰-۷۸، البقره: ۶۳-۶۶ و ۸۷-۸۸ و ۹۲-۹۳،

المائده، ۶۰ و ۴۱ و ۸۸، النساء: ۱۶۰، ۱۶۱...

۲- چنانچه به محض نجات از دست فرعونیان و عبور از دریا، بادیدن قومی بت پرست از موسی تقاضای بت نمودند.

الاعراف: ۱۳۸.

۳- چنانچه خداوند در مورد پیامبران نیز تصریح کرده است که اگر شرک بورزند و از جاده حق منحرف شوند مورد عقاب

قرار می‌گیرند. بنگرید به الانعام: ۸۸ و الحاقه: ۴۴-۴۷ و آل عمران: ۱۶۱ و...

ایشان می‌فرماید:

"اغیراللہ ابغیکم الہا و هو فضّلکم علی العالمین." ^۱ ترجمه: "آیا جز اللہ، برایتان خدایی بجویم، و حال آنکه اوست که شما را بر جهانیان برتری بخشید؟"

موسی (ع) با تذکر تفضیل آنان بر جهانیان، در صدد بازداشتن آنها از پرستش بت است. و قطعاً این سخن برای توجه دادن آنها به این مسئله است که برگزیده شدن آنها برای هدایت الهی از میان اقوام کافر و مشرک آن زمان، مشاهده معجزات فراوان از جمله رهایی از شکنجه و عذابهای فرعونیان، عبور از دریا، ^۲ ... باید موجب ایمان بیشتر آنها به خدای واحد قهار باشد، نه آنکه با دیدن قوم بت پرست، آنها نیز در خواست صنم و بتی برای عبادت بکنند.

این درخواست بنی اسرائیل ناشی از دید غلط آنها نسبت به آفریدگار جهان است. آنها بتی را به عنوان تمثالی از خداوند متعال، می‌خواستند تا با حضور در برابر او با توجه بیشتر عبادت کنند و این همان نظر مشرکان است که مدعی بودند بتها را برای نزدیکی به خدا عبادت می‌کنند. ^۳ اما در مورد اینکه مراد از "العالمین" جهانیان و مردم حاضر (معاصر) در زمان موسی (ع) است و یا آنان بر همه مردم در تمامی زمانها برتری یافته‌اند، در آیه گذشته بحث شد و این آیه با آیه گذشته از جهت سیاق و مضمون تفاوتی ندارد.

۳- تفسیر آیه سوم

"و لقد نجّینا بنی اسرائیل من العذاب المہین. من فرعونَ اَنَّهُ کان عالیاً من المسرّین. و لقد اخترناهم علی علم علی العالمین. و اٰتیناهم من الایات ما فیہ بلوٰء امیین." ^۴

۱- سوره اعراف: ۱۴۰.

۲- به این نعمتها در آیات ۱۳۵ تا ۱۴۱ همین سوره اشاره شده است.

۳- ما نعبدہم الا لیقزبونا الی اللہ زلفی. سوره زمر: ۳.

۴- سوره دخان: ۲۹ الی ۳۲. ترجمه: ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوار کننده رهانیدیم. از فرعون برتری جوی گزافکار، و از روی علم بر اهل جهانشان برگزیدیم. و آیاتی به آنها عطا کردیم که در آن امتحانی آشکار بود.

در این آیه خداوند با ذکر نجات بنی اسرائیل از عذاب فرعون متذکر می‌شود که آنان را بر عالمیان برگزیده است و آیاتی برای آزمایش و اختبار به آنان داده است. این آیه دقیقاً نشان دهنده این نکته است که برگزیده شدن بنی اسرائیل از میان مردم آن زمان، برای ابتلا و آزمایش آنها بوده است تا روشن شود آنها در پی داشتن بینات و آیات فراوان و داشتن کتاب هدایت، چه راهی در پیش می‌گیرند. آیا از صالحان خواهند بود یا از کافران؟ همان طور که موسی در وعده‌ای که برای رهایی به بنی اسرائیل می‌دهد، می‌فرماید:

"قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَهْلِكَ عِدْوُكُمْ وَ يَسْتَخْلَفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ."^۱

ترجمه: "گفت امید است که پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شما را در روی زمین جانشین او گرداند. آنگاه بنگرد که چه می‌کنید."

موسی (ع) متذکر شده است که جانشین شدن آنها به جای مصریان و دیگر اقوام در روی زمین، برای تعیین نوع اعمال آنها از صالح و فاسد خواهد بود و آنان آزمونی سخت در پیش دارند.

حال این سوال مطرح است که بنی اسرائیل تنها بر مردم زمان خود برتری و تفضیل دارند یا بر تمامی مردم در تمامی زمانها؟

آلوسی در تفسیر خود هر دو نظر را مطرح می‌کند ولی هیچ یک را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد.^۲ اما طبرسی به نظر اول تمایل دارد و نظر دوم را با عنوان "قیل" مطرح می‌نماید که نشان می‌دهد این قول از نظر او دارای قوت نیست.^۳ سید قطب تنها نظر اول را مطرح نموده و قائل به آن است.^۴ اما علامه طباطبایی بین دو قول تفضیل قائل شده است و معتقد است اگر مراد اختیار

۱- سوره اعراف: ۱۲۹

۲- السید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۳- الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۶

۴- سید قطب، فی ظلال القرآن، ط ۱۵، دارالشروق، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق.، ج ۵، ص ۳۲۱۴.

و برگزیده شدن بنی اسرائیل از برخی جهات باشد، منظور از "العالمین" تمامی امتهای عالم است، ولی اگر منظور اختیار از تمامی جهات باشد، مراد از العالمین مردم زمان موسی (ع) است زیرا به طور مسلم آنان بر امت اسلام برتری ندارند. البته ایشان در ادامه تفسیرشان نظر اول را تأیید می‌کند و می‌نویسد: "البته آنان به راستی از برخی وجوه نسبت به تمامی مردم عالم امتیاز داشتند." ^۱ در این صورت تفضیل بنی اسرائیل مقید به زمان و مکان خاص نیست، ولی این تفضیل از تمامی جهات نخواهد بود.

۴- تفسیر آیه چهارم

"و اذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم ملوكاً و ائتمكم ما لم يوءت احداً من العالمين." ^۲ موسی (ع) برای تشجیع بنی اسرائیل به جهاد و تصرف ارض مقدسه، متذکر نعمتهای الهی بر آنها از جمله برگزیدن پیامبرانی از میان آنها و بدست آوردن آزادی و استقلالشان شده و می‌فرماید: "و به شما چیزهایی داد که به هیچ کس دیگر از جهانیان نداده بود."

در اینجا نیز مراد از "العالمین" یا مردم موجود در زمان موسی (ع) است و یا تمامی مردم جهان تا زمان موسی. علامه طباطبائی وجه دوم را برگزیده‌اند و می‌نویسند: "چون این همه معجزات و براهین روشن به اقوام دیگر داده نشده بود، پس مراد از "العالمین" تمامی مردم تا زمان موسی (ع) است." ^۳

۱- السیدمحمد حسین الطباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ط ۳، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، ۱۳۹۳ ه.ق.، ج ۱۸، ص ۱۴۱.

۲- سوره مائده: ۲۰. ترجمه: و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبران و پادشاهانی پدید آورد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است.

۳- السیدمحمد حسین الطباطبائی: المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۵، ص ۲۸۸.

۵- تفسیر آیه پنجم

"و لقد أتينا بني إسرائيل الكتاب والحكم والنبوة و رزقناهم من الطيبات و فضلناهم على العالمين." ^۱

در این آیه خداوند متذکر بعضی از نعمتهای خود بر بنی اسرائیل شده است. این نعمتها ارسال کتاب هدایت برای آنها و دادن حکمت (یا داشتن فهم و فقه برای فصل خصوصتهای بین مردم) به آنها است. به علاوه پیامبرانی از میانشان برگزیده شد. نعمت دیگر روزی دادن آنها از طیبات و غذاهای پاکیزه است. به علت این نعمتها، بنی اسرائیل بر دیگر جهانیان برتری داده شدند. با داشتن این همه نعمت، آنها باید شاکر نعمتهای خداوند می شدند، ولی آنان در کتاب الهی اختلاف کردند و علت این اختلاف تنها خودخواهی و فزون جویی آنها بوده است.

چون در این آیه "فضلناهم على العالمين" را با "واو" بر نعمتهای دیگر الهی عطف نموده است پس این برتری علاوه بر اینکه شامل نعمتهای مذکور در آیه است، شامل موارد دیگری هم می باشد که در آیات دیگر ذکر شده است. این نعمتها در سوره بقره به تفصیل بیان شده است. ^۲ در این آیه نیز همانند آیات گذشته، اگر مراد برتری بنی اسرائیل از برخی جهات باشد، آنان بر تمامی جهانیان در تمامی اعصار برتری داده شده اند چون از نعمتهایی برخوردار شدند که هیچ ملتی به تمامه از آن نعمتها برخوردار نشدند ولی اگر مراد برتری از تمامی جهات باشد آنان تنها بر جهانیان عصر خود از هر جهت برتری داشتند ولی بر امت اسلام برتری ندارند چنانچه آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره نیز اشاره دارد که امت اسلام بهترین امتهاست. ^۳

۱- سوره جاثیه: ۱۶. ترجمه: ما به بنی اسرائیل کتاب و علم داوری و نبوت عطا کردیم و از چیزهای پاکیزه و خوش روزیشان کردیم، و بر جهانیان برتریشان دادیم.

۲- سوره بقره: ۴۷ الی ۶۰ ترجمه: گفت امید است که پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شما را در روی زمین چانشین او گرداند، آنگاه بنگرد که چه می کنید.

۳- نک السید محمد حسین الطباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ص ۱۶۵.

سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۲۲۸.

نتیجه گیری

با بررسی آیاتی که متذکر برتری و فضیلت بنی اسرائیل شده است، در می یابیم که با وجود نعمتهای مکرر و گوناگون که خداوند به آنها ارزانی داشته است، آنان از این جهت بر تمامی جهانیان برتری دارند. زیرا این نعمتها به تمامه، به هیچ ملت دیگر داده نشده است. ولی باید به این مسئله نیز توجه داشت که برتری آنان از این جهت موجب برتری آنان از حیث نژاد و جنس نیست. زیرا آیات بسیاری نیز متذکر خلافاکاریهای آنها شده است، بلکه این برتری تنها از جهت داشتن بینات و معجزات فراوان و بعثت پیامبران فراوان در میان ایشان بوده است. زیرا هیچ قوم دیگری دارای تمامی این نعمتها نبوده اند. علت برخورداری آنها از مواهب گوناگون تنها آزمون آنها بوده است تا خداوند میزان ثبات قدم آنها را در راه حق و هدایت الهی و مبارزه با امیال نفسانی محک بزند، ولی آنان از این آزمون سربلند بیرون نیامدند و به این ترتیب این برتری از آنان سلب شد و مورد غضب خداوند واقع شدند.

برتری بنی اسرائیل در تورات

تورات نیز به برگزیده بودن قوم بنی اسرائیل اشاره دارد ولی این برگزیدگی را مشروط به نگهداری عهد خدا و انجام فرائض خداوند و اوامر او می داند. در سفر خروج آمده است^۱: "خداوند به موسی می گوید: و به فرعون بگو خداوند چنین می گوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است و به تو می گویم پس آنها را رها کن تا مرا عبادت نمایند..."

و در همان سفر متذکر می شود این برگزیدگی مشروط به وفاداری آنها به پیمانی است که با

السید محمود الأوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۴۸.

الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۵.

۱- باب ۴، جملات ۲۲ و ۲۳.

خداوند بسته‌اند. در آنجا آمده است^۱:

"و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود، زیرا تمامی جهان از آن من است."
و نیز در سفر لاویان آمده است^۲:

"پس جمیع فرائض مرا و جمیع احکام مرا نگه داشته آنها را به جا آورید، تا زمینی که من شما را به آنجا می‌آورم تا در آن ساکن شوید، شما را قی نکند. و به رسوم قومهایی که من آنها را از پیش شما بیرون می‌کنم، رفتار ننمایید زیرا که جمیع این کارها را کردند، پس ایشان را مکروه داشتم و به شما گفتم، شما وارث این زمین خواهید بود و من آن را به شما خواهم داد تا وارث آن بشوید. زمینی که شیر و شهد در آن جاریست. من یهوه خدای شما هستم که شما را از امتهای امتیاز کرده‌ام."

و در همان سفر متذکر می‌شود اگر به فرائض خداوند عمل نمایند و اوامر او را محترم شمارند از نعمتهای مختلف بهره مند خواهند شد و اگر عهدشکنی نمایند به عذابها و عقوبتهای مختلف دچار خواهند گردید.^۳

بنابراین تورات و قرآن هر دو به برگزیده شدن قوم بنی اسرائیل از میان اقوام دیگر اشاره دارند ولی این برگزیدگی را به منظور آزمایش آنان و مشروط به حفظ عهد و میثاق خداوند می‌دانند. اگر آنان این عهد را حفظ نمودند، بر تریشان حفظ خواهد شد و گرنه سنت الهی که بر اقوام دیگر جاری شد بر آنان نیز جاری خواهد گردید.^۴

۱- باب ۱۹، جمله ۱۵. ۲- باب ۲۰، جملات ۲۲، ۲۳ و ۲۴.

۳- سفر لاویان: باب ۲۶.

۴- آیات بسیاری از قرآن کریم به عهد شکنی و نافرمانیهای متعدد آنان اشاره دارد از جمله بنگرید به: سوره مائده: ۱۳.

سوره بقره: ۸۲، ۶۴، ۱۰۰، سوره آل عمران: ۱۸۷، سوره نساء: ۱۵۵.

تورات نیز اشاراتی به نافرمانیهای بنی اسرائیل دارد، از جمله بنگرید به: سفر تثنیه، باب ۱ - سفر اعداد، باب ۱۳-

منابع:

- ۱- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، سروش، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش .
- ۲- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، به همت انجمن پخش کتب مقدس در میان ملل، بی تا.
- ۳- ابن کثیر، اسماعیل: تفسیر القرآن العظیم، ط ۳، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۹ ه.ق .
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل: قصص الانبیاء، تحقیق و تعلیق: عبدالقادر احمد عطا، ط ۳، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان العرب، ط ۱، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۸ م.
- ۶- ابوالسعود، محمد بن محمد العمادی: تفسیر ابی السعود، ط ۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۷- ابوحیان النحوی الاندلسی، محمد بن یوسف: البحرالمحیط، ط ۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۸- آلوسی البغدادی، السید محمود: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، ط ۴، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه.ق.
- ۹- حجازی، محمد محمود: التفسیر الواضح، ط ۶، مطبعة الاستقلال الکبری، القاہرہ، ۱۳۸۹ ه.ق.
- ۱۰- حقی البروسوی، اسماعیل: روح البیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۱۱- الرازی، محمد: التفسیر الکبیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۲- الراغب الاصفهانی، الحسین بن محمد: المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.
- ۱۳- رشید رضا، محمد: تفسیر المنار، ط ۲، دارالفکر، بیروت، بی تا.

- ۱۴- الزحیلی، وهبة: التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ط ۱، دارالفکر المعاصر و دارالفکر، بیروت و سوریه، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۱۵- الزمخشري، محمود بن عمر: الکشاف، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
- ۱۶- طالقانی، سید محمود: پرتوی از قرآن، ج ۳، شرکت سهامی انتشار، تهران، بی تا.
- ۱۷- الطباطبائی، السید محمد حسین: المیزان فی التفسیر القرآن، ط ۳، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، ۱۳۹۳ ه.ق.
- ۱۸- الطبرسی، الفضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مكتبة العلمية الاسلامية تهران، بی تا.
- ۱۹- الطبری، محمد بن جریر: جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۲۰- الطریحی، فخرالدین: مجمع البحرین، تحقیق السید احمد الحسینی، ط ۲، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۲ ه.ق/ ۱۹۸۳ م.
- ۲۱- قطب، سید: فی ظلال القرآن، ط ۱۵، دارالشروق، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۲۲- المراغی، احمد مصطفی: تفسیر المراغی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۲۳- مغنیه، محمد جواد: التفسیر الکاشف، ط ۴، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- ۲۴- مغنیه، محمد جواد: اسرائیلیات القرآن، ط ۲، دارالتيار الجدید و دارالجواد، بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق.